صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

رویداد

تجهیز کتابخانه ۱۵ مدرسه؛ مجازات جایگزین مجرمان

۱۵ مدرسه کم‌برخوردار و محروم در اشنویه از محل مجازات‌های جایگزین حبس تجهیز شدند. ناصر عتباتی، رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی در این‌باره گفت: با مجازات‌های جایگزین حبس صادرشده در اشنویه ۱۵ مدرسه روستایی این شهرستان در مجموع به ۱۵ قفسه و ۱۵۰۰ جلد کتاب به ارزش یک میلیارد ریال مجهز شدند.

موادمخدر

کشف ۱۵۵۰ کیلو موادمخدر در سیستان‌وبلوچستان

فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان از انهدام یک باند مسلح قاچاق موادمخدر و کشف ۱۵۵۰ کیلو مواد افیونی خبر داد. سردار محمدرضا اسحاقی گفت: اعضای این باند مسلح با ۵ دستگاه خودرو سواری و تویوتا در حال جابه‌جایی محموله سنگین موادمخدر در محورهای فرعی خاش و ایرانشهر بودند که ۵ نفر از آنها دستگیر شدند.

داخلی

مجازات جالب برای ۲ مزاحم اورژانس

۲ مرد که برای اورژانس تهران مزاحمت ایجاد کرده بودند به جریمه نقدی و شستن ۴ آمبولانس محکوم شدند.
شروین تبریزی، مدیر روابط عمومی اورژانس استان تهران به همشهری گفت: به تازگی واحد حقوقی اورژانس شکایتی علیه ۲ مرد مطرح کرد. آنها با خطوط مختلف تلفن ۱۳ بار با اورژانس تماس گرفته بودند و می‌گفتند بیمار دارند و آدرس غلط می‌دادند، یا اینکه با خواستگاری از اپراتور ایجاد مزاحمت می‌کردند. تبریزی ادامه داد: با شکایت اورژانس از این ۲ مرد جوان آنها شناسایی شدند و پای میز محاکمه قرار گرفتند. هر ۲ متهم به موجب ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی به جرم مزاحمت تلفنی باید محکوم می شدند که قاضی دادگاه با توجه به اینکه آنها سابقه کیفری نداشتند، این ۲ متهم را به جریمه نقدی و شست‌وشو و نظافت ۴ آمبولانس محکوم کرد.

انفجار مرگبار گاز در اهواز

نشت و انفجار گاز در خانه‌ای در اهواز جان ۲ نفر را گرفت. به گزارش همشهری، ساعت ۱۷:۵۹ یکشنبه انفجاری مهیب کوی کیانشهر اهواز را به لرزه درآورد. نشت گاز در خانه‌ای باعث این انفجار شد و شدت آن به حدی بود که مجتمعی ۴ واحدی و خانه‌ای ویلایی تخریب شد. با حضور امدادگران ۷ نفری که در این حادثه مصدوم شده بودند به مراکز درمانی منتقل شدند. با این حال ۲ نفر زیر آوار مانده بودند که پیکر بی‌جان آنها کشف شد. تحقیقات برای روشن‌شدن علت اصلی وقوع این حادثه آغاز شده است.

راوی «آخرین شاهد» چرا همسرش را در کانادا به قتل رساند؟

جزئیات تازه از جنایت پادکستر ایرانی

گزارش
جواد عزیزی
روزنامه‌نگار

چند روز پس از جنایت هولناک تولیدکننده پادکست «آخرین شاهد» در کانادا که پس از قتل همسرش دست به‌خودکشی زده است، خواهر مقتول جزئیات تازه‌ای از این حادثه را بازگو کرد. به گزارش همشهری، دوشنبه هفته گذشته پلیس شهر نیوفاندلند کانادا در جریان خودکشی مردی ۳۴ ساله در خانه‌اش در مرکز این شهر قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌داد که او مهدی پورباقی، تولیدکننده ایرانی پادکست معروف «آخرین شاهد» است که در این پادکست، داستان‌های جنایی را روایت می‌کرد. او به همراه همسرش به نام باران زندگی می‌کرد اما از این زن خبری نبود. در این شرایط، جست‌وجو برای پیدا کردن همسر وی آغاز شد تا اینکه عصر روز بعد (۲۶ تیرماه) جسد زنی جوان در داخل چمدانی که در نزدیکی رودخانه شهر سنت‌جان کانادا رها شده بود کشف شد. خیلی زود معلوم شد که جسد متعلق به باران، همسر پادکستر ایرانی است که به‌گفته پلیس چهارشنبه ۲۰ تیرماه به قتل رسیده بود. بررسی دوربین‌های مداربسته نشان می‌داد که مهدی پورباقی روز چهارشنبه، پس از قتل همسرش، جسد او را داخل چمدان گذاشته و آن را در محلی خلوت در نزدیکی رودخانه رها کرده و به خانه برگشته و درنهایت به زندگی خودش پایان داده است. انتشار این خبر، جنجال زیادی در شبکه‌های اجتماعی به‌وجود آورد و همه به‌دنبال پاسخ این سؤال بودند که چرا تولیدکننده پادکست جنایی «آخرین شاهد» دست به این جنایت هولناک زده است.

۱۱ سال پیش، ایران

خواهر باران (مقتول) در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: حدود ۱۱ سال پیش بود که مهدی و باران با هم ازدواج کردند. پس از ازدواجشان حدود ۸ سال در شهر ما یعنی لاهیجان زندگی می‌کردند. در این مدت مهدی که در دانشگاه صنعتی شریف درس خوانده بود، از طریق برنامه‌نویسی و کارهای دیگر خرج زندگی‌شان را درمی‌آورد و پدر و مادر من نیز هوایشان را داشتند تا اینکه مهدی فوق‌لیسانس قبول شد و به تهران رفت.
مرد جوان که به‌گفته دوستانش، نخبه بود، در کمتر از ۲ سال مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه شریف گرفت و پس از آن موفق به دریافت بورس تحصیلی در کانادا شد و شهریور سال ۱۴۰۱ بود که راهی این کشور شد. خواهر باران ادامه می‌دهد: مهدی و باران عاشق هم بودند، طوری که عشق‌شان زبانزد همه فامیل و دوستان و آشنایان بود. ما در این مدت از مهدی کوچک‌ترین بی‌احترامی‌ای ندیدیم و خواهرم عاشقانه او را دوست داشت. برای همین تصمیم گرفته بود بعد از انجام کارهای قانونی و گرفتن ویزا، برای ادامه زندگی نزد مهدی در کانادا برود و در آنجا زندگی کنند.

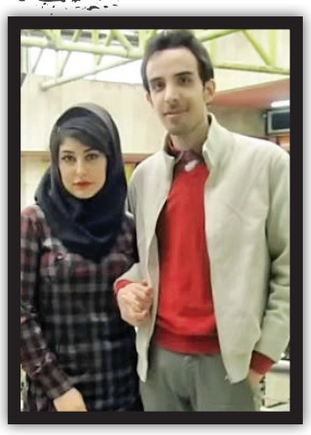

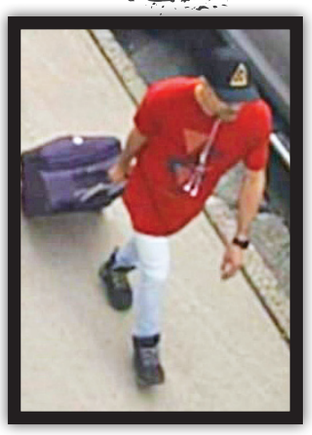

زندگی کوتاه

حدود ۲ ماه پیش بود که باران بعد از خداحافظی با خانواده‌اش برای ادامه زندگی در کنار همسرش راهی کانادا شد. او پیش از مهاجرت توانسته بود دوره‌های آرایشگری و زیبایی را سپری کند تا بتواند در کانادا مشغول کار شود.
خواهرش می‌گوید: در این ۲ ماهی که از رفتن خواهرم می‌گذشت، هر بار که با باران حرف می‌زدم، خوشحال بود و از شوهرش مهدی تعریف می‌کرد. آخرین باری که حرف زدیم، روز دوشنبه، ۲ روز قبل از حادثه بود. ما می‌خواستیم راهی سفر شویم و باران می‌خواست که برایش عکس سفرمان را بفرستیم. آن روز همه‌چیز عادی بود و تصورش را هم نمی‌کردیم که این آرامش قبل از توفان است.

خبر بد

خانواده باران از حادثه هولناکی که برای او در کانادا رخ داده بود خبر نداشتند تا اینکه روز دوشنبه ۲۵ تیرماه، دختر جوانی از کانادا با دوست باران در لاهیجان تماس گرفت. دختر جوان سراسیمه بود و به‌دنبال باران می‌گشت و می‌گفت که مهدی در بیمارستان است و بیمارستان فقط به بستگان درجه یک بیمار جواب می‌دهد اما از باران خبری نیست.
خواهر باران می‌گوید: ما از اینکه مهدی با دختر دیگری ارتباط داشته، خبر نداشتیم. اما شنیده‌ایم که دختر دیگری در زندگی مهدی بوده است. این دختر همان روزی که مهدی در خانه‌اش خودکشی کرده بود، شماره دوست باران در لاهیجان را پیدا کرده و با او تماس گرفته و به این ترتیب بود که ما از ماجرا باخبر شدیم. اما هنوز معلوم نبود که چه بلایی بر سر باران آمده است. تا اینکه یک روز بعد به ما خبر دادند که جسد باران داخل یک چمدان پیدا شده است. در خبرها آمده بود که مهدی ابتدا باران را به قتل رسانده و بعد از رها کردن جسدش کنار رودخانه به خانه برگشته و در آنجا به زندگی خودش هم پایان داده است.

خبر دروغ

درحالی که در روزهای گذشته بسیاری از رسانه‌ها مدعی شده بودند که مهدی جسد همسرش را مثله کرده و در چمدان گذاشته بود، خواهر باران می‌گوید: دیروز (دوشنبه) با پلیس کانادا تلفنی حرف زدیم. به ما گفتند که جسد باران داخل چمدان مثل یک جنین جاسازی شده بود و فقط مقداری آثار زخم و جراحت روی بدنش بود که نشان می‌داد قبل از مرگ با قاتلش درگیر شده بود. پلیس گفته که در حال تحقیق در این پرونده است و موبایل همه دوستان باران و شوهرش را گرفته تا انگیزه این جنایت معلوم شود. ما هم پیگیر این مسئله هستیم که هر چه زودتر جسد خواهرم به ایران برگردانده و در اینجا دفن شود.

دادسرا

می‌خواستم دندانپزشک شوم دزد شدم

جوان ۱۸ ساله که می‌خواست دندانپزشک شود، با یک قاچاقچی تبهکار در پارک آشنا شد و پس از بازی عجیب جرأت و حقیقت، تبدیل به زورگیر حرفه‌ای شد.
به گزارش همشهری، چند روز قبل مأموران پلیس پایتخت در حال گشت‌زنی در یکی از خیابان‌ها به ۲ پسر موتورسوار مشکوک شدند. آنها کلاه به سر و ماسک به صورت داشتند و پلاک موتورشان را مخدوش کرده بودند و با دیدن پلیس فرار کردند. ماموران اقدام به تیراندازی هوایی کردند تا اینکه راکب تعادلش را از دست داد و موتور واژگون شد؛ هر دو زمین خوردند اما راکب در یک چشم به‌هم‌زدن موتور را برداشت و با جاگذاشتن همدستش فرار کرد. ترک‌نشین موتور که جوانی ۱۸ ساله است در بازجویی‌ها به زورگیری‌های سریالی با همدستش اعتراف کرده‌است و در گفت‌وگو با همشهری، از جزئیات سرقت‌های سریالی و انگیزه عجیبش می‌گوید.

با چه شگردی از طعمه‌هایتان سرقت می‌کردید؟
من و مهران، همدستم، با موتور در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و با دیدن سوژه‌ای که به‌نظر وضع مالی‌اش خوب می‌آمد، به سمتش می‌رفتیم. با موتور به او می‌زدیم و درحقیقت تصادف صوری ایجاد می‌شد. سوژه‌مان زمین می‌خورد و سپس من یا مهران با تهدید چاقو نقشه سرقت وسایل باارزش وی مانند پول، گوشی و... را اجرا می‌کردیم.

انگیزه‌ات از سرقت چه بود؟
اگر بگویم نیاز مالی نداشتم، برایتان عجیب نیست؟ راستش من دندانسازم و قرار بود درس بخوانم و دندانپزشک شوم؛ اما یک بازی عجیب، مسیر زندگی‌ام را تغییر داد و تبدیل به سارق خفت‌گیر شدم.
منظورت از بازی عجیب چیست؟
در پارک با مهران آشنا شدم. اوایل می‌گفت تاجر است؛ اما بعد فهمیدم دروغ می‌گوید و یک قاچاقچی حرفه‌ای مواد مخدر است. او پیشنهاد بازی جرأت و حقیقت داد. من جرأت را انتخاب کردم و او گفت باید همراه من به سرقت بیایی تا ثابت کنی جرأت زیادی داری. نتوانستم به او نه بگویم؛ چون اساسا بلد نیستم به کسی نه بگویم. همین شد که مسیر زندگی‌ام تغییر کرد و وارد دنیای خلافکاران شدم.